

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

## نفوذ عوامل مشخص در مجموعه دولت مدرن و تأثیرگذاری فاکتورهای تمدنی اقداماتی بمنظور نبرد با زمان و دموکراسی‌ها در مقابل خودکامگی‌ها نمایش قدرت "طالب"‌ها و چگونگی انکشاف اوضاع در کشور

**تحقق اهمیت و اثره قومیت در روانشناسی جمعی شهروندان کشور  
بازی صلح بمنظور تحقق قبیله سالاری یا تشکیل دولت فراگیر؟  
سرکوب فکرواندیشه و عدم پذیرش افکار دموکراتیک  
بخشی از یک سیستم یا مالک تمام عیار آن؟**

مبانی اندیشه‌های طالبانی بر بنیاد مکتب دیوبندی هند و سلفیه قرار دارد. آنها دوره‌های اولی و میانی آغازین و میانی اسلام را دوران طلایی و دورا زهرنوع خطا و نقد می‌پندارند. بنظر آنها، این دوره نزدیکترین و شبیه‌ترین مشخصات زندگی اسلامی را به سیره و سنت صدر اسلام داشته و باید نظام زندگی کنونی مسلمانان نیز بآن دوره برگردد. "طالب"‌ها، سبک زندگی غربی را کفرآمیز تلقی نموده، لباس غربی را به سستی اخلاقی برابر دانسته و آزادی زنان را بمتابۀ ضدیت با اخلاق اسلامی پنداشته و آنرا مردود می‌شمارند. آنها به نفوذ فرهنگ غربی که دشمن اسلام تلقی می‌گردد، حساس بوده و معتقدند جامعه از طرف خارجی‌ها در خطر است. از اینرو، یکی از جمله اهداف این گروه، بیرون راندن و ضربه زدن ب نیروهای خارجی مستقر در افغانستان بود. "طالب"‌ها در جهاد خود، اولویت را به مبارزه با دشمن نزدیک می‌دهند، این دشمن نزدیک، همان رژیم سکولار و حامیانش پنداشته می‌شدند. برخلاف "داعش" و "القاعده" که با توجه به ساختار و سوابق شان دارای ستراتیژی جهان می‌باشند آنها بمنظور جهاد بکشورهای دیگر نمی‌روند و حتا کمتر در صدایجاد گروه‌های ضر بت در داخل ایالات متحده و یا اروپا می‌باشند. در نگاه آنها ایجاد دولت اسلامی بمتابۀ نخستین گام بمنظور توسعه سرزمین اسلامی و ایجاد خلافت اسلامی است. الگوی زندگی آرمانی "طالب"‌ها زیست روستایی ساده در صدر اسلام می‌باشد. رفتار خشک، تقلید وارو بی گذشت آنها در چارچوب فق حنبلی و نیز در حاشیه بودن زنان، ریشه در این تفکرات سلفی دارد. "طالب"‌ها یک جنبش نظامی بوده که در ادامه مسیر حیات خود، وجهه سیاسی هم پیدا کرده اند. "طالب"‌ها خود را بمتابۀ جنبش اسلامی معرفی می‌نمایند. اما آنچه این گروه بنام اسلام انجام می‌دهند، هیچ نسبتی با آموزه‌های اسلامی ندارد.

"طالب"‌ها پس از ۲۰ سال، آنهم به لطف حملات پیهم، به تصاحب قدرت سیاسی در کشور موفق گردیدند. در امتداد سال‌های متمادی بمتابۀ نیروی قابل توجه و مؤثر، سعی نمودند تا بیش از پیش وبا استفاده از هر وسیله و امکانی به وسعت دامنه درگیری‌های مسلحانه بیاورند. اما در وضعیت حاضر که نظامیان ایالات متحده بکشورشان فراخوانده شده و "طالب"‌ها هم بمتابۀ مالک پلامنازع حاکمیت وارد عرصه سیاسی کشور گردیده اند، اوضاع و وضعیت به چه نحوه ای سیر خواهد نمود؟ نباید فراموش خاطر ما شود که قبل از نظارت "طالب"‌ها بر کابل، در نتیجه درگیری‌های خونینی در بسیاری از مناطق کشور میان نظامیان دولتی و شبه نظامیان "طالب"‌ها، بهر دو جانب تلفات وارد کرده و قربانی‌های بیشماری بجا گذاشته شد. قابل یاددہانی پنداشته می‌شود که نظامیان دولتی با معضلات بیشمار ناشی از خشکسالی، مشکل اقتصادی و گسترش ویروس کرونا در کشور مواجه گردیدند. اما از سوی دیگر، جریان‌های مالی "طالب"‌ها کم و بیش با ثبات می‌باشد. در نتیجه، بر بنیاد اظهار نظرهای برخی‌ها، باستانهای برخی از مناطق افغانستان، "طالب"‌ها

بدون درگیری مسلحانه و از طریق راه اندازی موفقیت آمیز عملیات روانی، بر بخش هایی از کشور مسلط گردیدند. اما این مسأله قابل یاددهانی پنداشته می شود که فرا خواندن سریع و عجولانه نظامیان ایالات متحده و ناتو، بگونه کُلی، بر نیروهای امنیتی کشور ما، اثرات منفی بجا گذاشت. با استفاده از وضعیت اینچنینی "طالب" ها بگونه همزمان در چندین استقامت، جنگ و نبردهای مسلحانه را آغاز نمودند. در چنین موقفی، همه باین واقعیت معترف بودند که با نبود امکانات لازمی و مورد ضرورت و بویژه با عدم موجودیت پشتیبانی قوای هوایی ایالات متحده، در وضعیتیتی که "طالب" ها به پیشرویهای شان همچنان ادامه می دادند، نظامیان دولتی قادر بدفاع و ایستادگی در مواضع شان نمی باشند.

برای آنکه از نظامیان دولتی کاز جنگ منصرف شده و سلاح شان را بر زمین میگذاشتند، توسط "طالب" ها عفو عمومی اعلام گردید. در مقابل، فرماندهان "طالب" ها بیش از هر زمان دیگر به نیرومندی خویش مطمئن گردیدند. نظامیان دولتی با "طالب" ها وارد مذاکره شده و در ضمن اظهار نمودند که در امتداد سه هفته است که با کمبود سلاح و تجهیزات مواجه بوده و هیچ مقام ویا شخصیتی از جانب دولت بمنظور رفع مشکل یاد شده نزد آنها مراجعه نموده و جویای احوال و وضعیت کشته ها و مجروحان آنها نیز نگردیدند. آنها بطرف "طالب" ها یادآور شدند که اکنون با تسلیمی سلاح های تان، بشما اجازه ورود به شهر را میدهم. "طالب" ها هم با ورود به مراکز نظامی، تمامی سلاح و تجهیزات نظامی موجود بشمول تمامی وسایل تخنیکی سنگین و وسایل نقلیه محاروبی در پایگاههای نظامی را در اختیار گرفتند. بر بنیاد آمار و ارقام ارائه شده توسط سازمان ملل، از آغاز ماه ثور سال روان، "طالب" ها بر بیشتر از ۵۰ بخش کشور مسلط گردیدند. عواقب و پیامدهای بعدی، استحکام مواضع آنها بر مناطق ستراتیژیک کشور، تسلط بر کابل و تصرف حاکمیت دولتی را ببار آورد.

بر اساس گفتگوها و مصاحبه های انجام شده، سربازان و افسران دولتی از نفرات و نظامیان خارجی در کشور با نفرت صحبت نموده و تلخی های ناگواری در سخنان شان نهفته می باشد. آنها متذکر می گردند زمانی که نظامیان ایالات متحده بکشور ما وارد شدند، درگیری های مسلحانه ادامه داشت و اما با حضور پررنگ نظامیان امریکایی بکشور ما، آتش جنگ و درگیری های مسلحانه بیش از هر زمان دیگر در گوشه و کنار میهن ما زبانه کشیده که در نتیجه، با شدت گرفتن درگیری های یاد شده و شعله ور گردیدن جنگ، همه ی آنها از کشور ما رخت سفر بر بسته و بکشورشان فراخوانده شدند. همه با این امر موافق می باشند که با حضور موجودیت نظامیان ایالات متحده، بیشتر از پیش به تشنج اوضاع افزوده شد و در نهایت امر، این امریکایی ها بودند که شهروندان کشور ما را دردشوارترین لحظات رهأ نموده و رهسپار کشورشان شدند.

و اما در مورد دولت "سایه" و حملات "طالب" ها بایست متذکر گردید که حاکمیت "سایه" مربوط بآنها مدت زمان نیست کاز خود دارای جنگجویان مسلح بوده و در تمامی مناطق و محلات کشور عملن فعال می باشند کاین بموازات ساختار رسمی دولت و مقامات رسمی کشور، در نوع خود بمثابة یک سیستم مستقر محسوب می گردد.

"طالب" ها خویش را نه تنها و صرف گروه بندی شورشی نشمرده، بلکه خودشان را بمثابة سربازان و جنگجویان امارت اسلامی می پندارند.

نباید فراموش خاطر ما شود که دیدگاههای بسیار محافظه کارانه "طالب" ها را در مناطق دور افتاده و روستایی کشور تحویل نخواهند گرفت. چون شیوه زندگی و همراه با آن در ذهنیت و ارزشهای موجود نزد شهروندان کشور ما، بمقایسه دهه های پایانی سده ۱۹ تغییر چندانی بمشاهده نمی رسد. اما در بسیاری از مناطق توسعه یافته تر، بویژه در شهرهای بزرگ، شهروندان کشور از این مسأله هرأس دارند که ممکن "طالب" ها در سیستم مدیریت کشور بر رعایت موازین شریعت، به سیستمی که در سال های ۹۰ در کشور مرعی الاجراً قرار می گرفت، مجددن بان متوسل گردند.

عده ای از خبرنگاران خارجی با اهالی و پاشنده های یکی از جمله ولایت های شمال کشور، در حالی که افراد مسلح و جنگجویان "طالب" ها نیز موجود بودند، با اهالی محل مصاحبه نموده که با چنین موقعیتی و با حضور گسترده جنگجویان "طالب"، پاشنده های محل بگونه ناگزیر، از چگونگی عملکرد "طالب" ها، ابراز خوشنودی و رضایت بعمل آوردند، اما پس از چندی و با نبود جنگجویان مسلح "طالب" ها، اهالی نامبرده، از داستان های دیگری یادآوری بعمل آوردند. از جمله یادآور شدند که شهروندان کشور در مجموع، انتخاب

دیگری ندارند.

اهالی وباشنده های محلات یادشده، آنچه برای آنها از جانب "طالب" ها هدایت و دستور داده می شود، مجبور باجرای عملی آن بوده که با چشم پوشی اندکی از سفارشات یادشده، مجازات جسمی در انتظار آنها میباشد. بر بنیاد اظهارات بسیاری از باشنده های محلات کشور، عده ای از شهروندان میهن ما بجرم تراشیدن ریش شان، توسط "طالب" ها به سختی مورد لت و کوب قرار گرفتند. گوش دادن به موسیقی در سراسر کشور ممنوع گردیده که در صورت عکس آن، رادیو و وسیله پخش موسیقی یا شکستنده شده و یا توسط آنها ضبط می گردد.

نسل جوان کشور از این امر در هراس فزاینده ای بسر می برند که مبدا آزادی های حداقل بدست آمده آنها مجدد از آنها گرفته شده و جامعه و کشور ما به شرایط و وضعیت ۲۰ سال قبل حاکمیت "طالب" ها بازگردد. اما یاددهانی این واقعیت لازمی پنداشته می شود که جامعه بین المللی تنها بمنظور مبارزه علیه تروریسم و عوامل آن وارد کشور ما نگردیدند. آنها شعار دفاع از حقوق زنان و اطفال و دفاع از آزادی بیان را باصطلاح خودشان نهادینه نمودند. اما در وضعیت کنونی جامعه بین المللی اراضی کشور ما را ترک نموده اند، آنها، اصلن باین واقعیت که با رهسپارگردیدن شان از کشور ما، سرنوشت آنها همه دستاوردها بکجا خواهد انجامید، اصلن اهمیت و ارزشی قایل نمی گردند. بخاطر می آوریم، بویژه از زمانی که ایالات متحده با "طالب" ها، توافقنامه صلح امضا نمود، "طالب" ها بحملات انتقامجویانه شان بویژه علیه خبرنگاران و مبارزان دفاع از حقوق زنان و سایر فعالان در کشور افزودند. در امتداد سال روان، بتعداد شش تن از خبرنگاران کشته شده و بسیاری از همکاران و وسایل اطلاعات همگانی کارهایشان را رها نموده و یا شغل های شان را تغییر دادند. عده بیشماری از آنها هم ناگزیر به ترک کشور گردیدند.

بر بنیاد آمار و ارقام ارائه شده توسط سازمان ملل، تعداد مجموعی مهاجران افغان در سراسر جهان در حدود ۲,۸ میلیون تن تخمین می گردند. طی سال های پسین، صدها تن از شهروندان کشور، در داخل محدوده کشور ناگزیر به نقل مکان گردیدند. عده ای از آنها بدلیل تداوم عملیات مسلحانه در محلات شان و شماری هم به دلیل موجودیت خشکسالی، بویژه در امتداد دو سال پسین در کشور ما، ناگزیر بترک محلات بود و باش شان گردیدند.

در مورد اوضاع و احوال منحصر بفرد کشور ما، این پرسش مطرح می گردد که در شرایط اینچنینی، کی ها از دیگران سبقت خواهند جست؟

قبل از همه، بایست یادآور شد که سه اجلاس بین المللی در نیویارک، اسلام آباد و ستانبول، هر کدام بنوبه خویش، مسایل و قضایای مربوط بکشور ما را مورد غور و بررسی قرار داده، اما گامی هم بمنظور شناسایی بین المللی حاکمیت کنونی در کشور ما برنداشتند که اینهم دلایل خودش را دارد. از "طالب" ها انتظار دارند تا بوعده های شان پایبند بوده و بمنظور تحقق عملی آنها با اقدامات عملی و سازنده ای مبادرت ورزند. اما نباید فراموش خاطر ما شود که آنها، خود درگیر یک مبارزه داخلی میان هم بوده و حتا امکان آن نیز موجود می باشد که تداوم چنین وضعیتی، تبدیل به رویارویی های مسلحانه گردد.

در امتداد هفته پسین، سه اجلاس منطقوی بمنظور بررسی قضایای مربوط بکشور عزیز ما یکی پس از دیگر، به ترتیب، اجلاس سه جانبه بتاريخ ۱۰ ماه نوامبر در دهلی جدید، بتاريخ ۱۱ ماه نوامبر در اسلام آباد و همچنان بتاريخ ۱۲ ماه نوامبر در کشور ترکیه گشایش یافت. سایر شرکت کننده های اجلاس های یادشده، نگرانی شان را از چگونگی وضعیت امنیتی در کشور ما ابراز نموده و راهای ارائه کمک به شهروندان میهن ما را مورد مطالعه و بررسی قرار دادند. همه آنها تأکید بعمل آوردند که توجه جمعی بامنیت افغانستان، بمفهوم کل آن در تأمین امنیت منطقوی، قابل تأمل پنداشته میشود. اعلامیه مشترک دربرگیرنده ۱۲ ماده می باشد، ترس های یادشده را میتوان به سه دسته منقسم نمود: نوع نگرش با آنچه در افغانستان اتفاق می افتد، تهدید های موجود از ناحیه تروریسم و مواد مخدر برای منطقه و ضرورت ارائه کمک های بشردوستانه بشهروندان افغانستان. اینک که در حدود بیشتر از سه ماه از تصرف قدرت توسط "طالب" ها سپری می گردد، آنها به تکوین تغییراتی در مجموعه حاکمیت کنونی شان مبادرت ورزیدند. اما حاکمیت یادشده نزد جهان و جهانیان بمثابه دولت فراگیر تلقی نشده و در برسمیت شناختن آن، نیز عجله ای بعمل نیامده است. در این مقطع و در وضعیت اینچنینی، پرسشی مطرح می گردد که کی ها از دیگران پیشی گرفته و سبقت خواهند

جست. در مورد یادشده، "طالب"ها از نبود موضعگیری واحدی در رنج و عذاب می باشند.

اما در مورد نشست هندوستان، بایست خاطر نشان نمود که بتاريخ دهم ماه روان، در دهلی جدید، سومین دورمشاویره در مورد مسایل مربوط بکشورما آغاز گردید. در نشست یادشده، مسؤلان امنیت ملی کشورهای هند، ایران، قزاقستان، قرغیزستان، روسیه، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان حضور بهم رسانیدند. شرکت کننده های نشست یادشده، بیشترین توجه شان را باصل امنیت درکشورما و در مورد عواقب آن در منطقه معطوف نمودند. اعلامیه پایانی گردهم آیی یادشده نیز در برگیرنده ۱۲ ماده بود.

شرکت کننده ها با بررسی وضعیت کنونی کشورما، همبستگی خویش را با شهروندان میهن ما ابراز نموده و با محکوم نمودن حملات تروریستی درکنز، کندهار و کابل، ازوخیم گردیدن وضعیت اجتماعی - اقتصادی و بحران بشری در کشورما اظهار نگرانی نموده و ضرورت ارائه معاونت های بشردوستانه را از جمله اولویتهای کاری نشست یادشده بشمار آوردند. بگمان شرکت کننده های نشست یادشده، در وضعیت کنونی، این سازمان ملل است که از نقش سازنده ای برخوردار بوده و از موجودیت و حضور فعال آن در کشورما بایست پشتیبانی و حمایت همه جانبه بعمل آید. در نشست یادشده، تروریسم بدون نام بردن از دسته بندیهای تروریستی، بمفهوم وسیع کلمه و کمک کننده های آن بمنظور تحکیم و ریشه یابی زیرساختهای رادیکالیسم، بشیوه قاطعانه ای محکوم گردیدند. در اعلامیه پایانی بگونه مکرر از ضرورت جلوگیری از تبدیل اراضی افغانستان به محل امنی برای تروریست ها نیز تاکید بعمل آمد.

قابل یاددانهی پنداشته می شود که در مورد جزئیات، آنچه در این اجلاس بگونه خاصی مورد بحث قرار داده شد، از جمله یکی هم اینکه وضعیت کنونی درکشورما، به چه معیاری نگران کننده می باشد. همچنان ظر فیت های لازم در امر مبارزه علیه داعش مورد ارزیابی قرار داده شد. آیا "القاعده" در اراضی متعلق بکشور ما به تحکیم مواضعش می پردازد، آیا واقعن در شمال کشور "جنبش اسلامی ترکستان شرقی" از مواضع مستحکمی برخوردار می باشد، اسلام آباد با "تحریک طالب های پاکستان" با پادرمیانی حقانی در چه موا ردی به توافق و تفاهم نایل گردید.

در مورد گفتگوهای توسعه یافته سه جانبه در اسلام آباد که بتاريخ ۱۱ ماه نوامبر سالروان، یکرروز پس از ملاقات و گفتگوهای دهلی نو، نشست بین المللی در مورد کشورما در اسلام آباد گشایش یافت، باید افزود که در نشست یاد شده نماینده های ایالات متحده، روسیه، چین و پاکستان شرکت ورزیدند. خودی ها ادعأ ورزیدند که اسلام آباد شرکت و سهمگیری "طالب"ها را در مذاکرات و گفتگوهای اساسی، برنامه ریزی نموده بود، اما نماینده ویژه وزارت امور خارجه ایالات متحده در امور کشورما با امر فوق مخالفت ورزیده و اظهار نمود که با نماینده های "طالب"ها در حاشیه نشست یادشده، دیدار و گفتگوهای انجام داده خواهد شد.

شرکت کننده های نشست یادشده، نگرانی گسترده شان را در مورد وضعیت وخیم، بحران بشری و اوضاع ناگوار اقتصادی درکشورما ابراز نموده و در خصوص احترام به تمامیت ارضی و استقلال کشورما، فارغ از موارد تروریستی تأکید ورزیدند.

شرکت کننده ها همچنان به "طالب"ها فراخوان دادند تا با سایر شهروندان کشور بویژه در عرصه ایجاد حکومتداری خوب و تشکیل حاکمیت سیاسی که در آن منافع و مصالح کلیه اقوام، اقشار و گروههای مختلف اتنیکی متبازز گردد، همکاری نموده و سعی نمایند تا حمایت همه جانبه ای از حقوق زنان و دختران کشور بعمل آورند. در اعلامیه همچنان از ضرورت دستیابی دختران کشور به تحصیل، بمثابة مسؤلیت جدی "طالب"ها تذکر بعمل آمده و در مورد، خواهان فعالیت های قابل لمس ازجانب آنها شده اند.

در نشست یادشده، مسأله برسمیت شناختن حاکمیت کنونی "طالب"ها در افغانستان، اصلن مطرح بحث قرار نگرفته بلکه تصمیم اتخاذ گردید تا به تعامل عملی با "طالب"ها بمنظور تشویق و ترغیب آنها باتخاذ سیاست های معتدل و محتاطانه ای که میتواند به دستیابی به افغانستان با ثبات و مرفه در اسرع وقت، کمک نماید، ابتکار عمل را بدست گیرند.

چندین نکته به کمک های بشردوستانه اختصاص داده شده و همچنان شرکت کننده ها از ارائه فوری کمک های یادشده جامعه بین المللی استقبال بعمل آوردند. آنها همچنان نگرانی عمیق شان را در مورد سقوط احتمالی اقتصادی و تشدید بحران انسانی در کشورما ابراز نموده و همچنان از "طالب"ها تقاضا

بعمل آوردند تا دسترسی بدون مانع، از جمله برای کارمندان زن در عرصه تحویلدهی کمک های بشردوستانه را نیز فراهم نمایند.  
شرکت کننده ها، بیشتر از همه، از سازمان ملل تقاضاً بعمل آوردند تا برنامه هایی را بمنظور انجام تعهدات جامعه بین المللی نیز روی دست گیرند.

یکشنبه ۳۰ ماه عقرب سال ۱۴۰۰ خورشیدی